

سوالاتی در مورد ایمان

درس سوم

س — سلام شنوندگان گرامی رادیو صدای انجیل. به برنامه سوالاتی در مورد ایمان خوش آمدید. در دو برنامه گذشته راجب کلمه تثلیث صحبت کردیم و اینکه چگونه مسیحیان به خدای واحد ایمان دارند، و همین طور تثلیث، شریک قائل شدن برای خدا و اعتقاد به سه خدا نیست. ما در این برنامه به ادامه این بحث می پردازیم. سوالی که در ابتدای برنامه امروز مطرح می کنیم این است که چرا اعتقاد و یا تعلیم تثلیث که مسیحیان به آن معتقد هستند در سایر ادیان، وجود ندارد؟ آیا شما عزیز شنونده به این سوال اندیشیده اید؟ اگر تا انتهای برنامه امروز ما را همراهی کنید به پاسخ این سوال و سایر سوالات خود خواهید رسید.

ج — سوالی که مطرح شد تکمیل کننده سوالاتی است که در برنامه های پیش به آن پاسخ دادیم. زمانی که یک حقیقت که فکر ما را به خود مشغول کرده برای ما باز می شود حقیقتاً ما شاد می شویم. کتاب مقدس می فرماید: شما حقیقت را خواهید یافت و حقیقت ما را آزاد خواهد کرد. تنها چیزی که ما به آن اهمیت می دهیم این است که فرد حقیقت را خواهد دانست و اینکه به چیزی ایمان داشته باشد که او را قانع کرده است، نه ایمانی که از راه دور و از طریق گذشته گان بر او تحمیل شده باشد. ما شرح دادیم که تثلیث قبلاً در مذاهب دروغین و غیر یهودی وجود داشته. مثلاً تثلیث مصریان، آسیس، آزوریس و هروس بود. اما این تثلیث کاذب و به هیچ وجه شبیه تثلیث ما نبود.

س — آیا این همان تثلیث کاذبی نیست که در قرآن ذکر شده و اشاره به پرستش چند خدا دارد؟

ج — قرآن و همین طور برادران و خواهران مسلمان ما هم، به همین تثلیث کاذب اشاره می کنند. تثلیثی که قرآن آن را رد می کند در مورد خدایی صحبت می کند که با همسری در ارتباط بوده و نتیجه آن فرزند می باشد. نتنها مسلمانان بلکه ما مسیحیان هم این نوع تثلیث را کاذب و بی پایه و اساس می دانیم. پس ایده تثلیث در زمانهای عتیق وجود داشته است. انسانها آن را می شناختند اما از کجا؟ به طور حتم آدم تثلیث را می شناخت و آن را باور داشت. فراموش نکنیم که آدم با خداوند در باغ عدن زندگی می کرد و از خدا درک بهتری نسبت به ما داشت و خود آدم می توانست عقیده تثلیث را حفظ کند. اما وقتی که در گناه سقوط کرد و از باغ عدن رانده شد این حفظ عقیده تثلیث مخدوش شد. زمانی که آدم آن را به نسل بعد از خود انتقال داد باعث سردرگمی و توصیف فیزیکی و مادی کاذب آن شد، که ارتباطی با تثلیث خدای حقیقی نداشت و چنین تثلیثهای دروغینی صاحب قدرت و زاد و ولد های فیزیکی شدند و باعث بوجود آمدن فرقه های زیادی شد که تثلیثهای دنیوی و کاذب داشتند. اما مسیحیت اصلاً به چنین تثلیث های دنیوی و فیزیکی اعتقاد ندارد. مسیحیت عنوان می کند که خداوند واحد است، او خود حیات است و علم مطلق است، که به شکل روح زیست می کند. اینها همان خصوصیات شخصی خدا بودند که در برنامه گذشته به آنها اشاره شد. این تثلیث ماست و مشخصهای مشخصیست که بایستی، ذاتاً در ذات الهی خداوند وجود داشته باشند. یاد آوری می کنیم که خداوند واحد است، او خود حیات و علم مطلق است.

س — بر اساس کتاب مقدس تعلیم مسیحی در مورد تثلیث این است و ما نمی توانیم منکر آن شویم. اما کسانی که با آن مخالف هستند و نمی خواهند به این حقیقت برسند، عنوان می کنند که اصلاً تثلیث قابل درک نیست؟

ج — تعلیم ما در مسیحیت بسیار واضح و روشن است. اما همانطور که گفتیم در قرآن هم در مورد تثلیث مسیحی صحبت شده و آن را پذیرفته است. اما متأسفانه برادران و خواهران عزیز مسلمان بدون اینکه بدانند در مورد تثلیث حرف می زنند و از روی آیاتی که در

قرآن در مورد تثلیث صحبت کرده می گذرند و روی یک سری از آیات دیگر متمرکز می شوند. مثلاً در سوره نساء آیه ۱۷۱، که در برنامه پیش گفتیم، دیدم که عیسی مسیح پیغمبر خداست، کلمه او که از طریق روحی از طرف او بر مریم القا شد. عزیزان مسلمان تنها روی یک بخش از این آیات متمرکز می شوند و می گویند می بینید مسیح تنها یک پیغمبر و رسول خدا بود و از ادامه آیه که بسیار مهم است عبور می کنند. قرآن در این آیه در مورد تثلیث صحبت کرده است. مسیح کلمه خداست، کلمه و روح اوست. آیا قرآن می توانست واضح تر از این به کلمه خدا بودن مسیح شهادت بدهد. در سوره آل عمران آیه ۳۹ گفته می شود: خدا تو را به یحیی بشارت می دهد، کسی که کلمه خدا یعنی مسیح عیسی را تصدیق می کند. این یحیی همان یحیی تعمید دهند است و بنابراین آمدن یحیی تعمید دهنده، فقط برای تصدیق کلمه خدا بودن مسیح بود. ما به خود اجازه نمی دهیم که قرآن را شرح و تفسیر کنیم ولی مفسرین تایید شده اسلامی هستند که حق این کار را دارند و ما ترجیح می دهیم که از گفته های این افراد استفاده کنیم.

امام ابو سعید یکی از مفسرین اسلامی در این مورد گفته که: تصدیق کردن و یا تصدیق کلمه خدا یعنی اینکه، این کلمه یعنی عیسی، که سلام خدا بر او باد، زیرا که به یحیی تعمید دهنده گفته شد که ابتدا باید به او یعنی عیسی مسیح ایمان آورد و تصدیق کند که او کلمه خداست. همان مفسر از مفسر قدیمی دیگری به نام اَلصَّیْدِی نقل قول می کند، اَلصَّیْدِی می گوید که مادر یحیی، مریم مادر عیسی را ملاقات می کند، این موضوع در اناجیل هم ذکر شده است، مادر یحیی به مریم می گوید که: ای مریم، می دانی که من باردار هستم، مریم می گوید من نیز بار دار هستم، این یک مکالمه کاملاً معمولی است، سپس مادر یحیی به مادر عیسی می گوید که: مریم متوجه شدم که جنین در شکم من، بچه در شکم تو را پرستش می کند. این تصدیق کننده این است که یحیی که هنوز متولد هم نشده بود، عیسی پسر مریم را که هنوز در شکمش بود پرستش و تصدیق می کرد. آیا پرستش یک فرد نشانه الوهیت او نیست؟ مگر نه اینکه از نظر قرآن ما تنها باید خدا را پرستش کنیم و اینجا گفته می شود که کلمه خدا را باید پرستید! در ادامه همان سوره آل عمران آیه ۴۵ توضیح داده شده که این کلمه خدا کیست؟ فرشتگان به

مریم گفتند: ای مریم خدا تو را به کلمه ای از طرف خودش بشارت می دهد که نامش مسیح پسر مریم است. آیا به نظر شما می شود اشتباه دستوری در این آیه از قرآن رخ داده باشد؟ با توجه به اینکه در عربستان، قرآن را استاندارد برای دستور عربی می دانند. در این آیه عنوان شده که خداوند تو را به کلمه ای از طرف خود بشارت می دهد. در زبان عربی کلمه که اینجا نشانه مسیح است یک اسم مذکر است و بایستی حتماً از خود خدا صادر شده باشد، کسانی که به زبان عربی تسلط دارند این را کاملاً درک می کنند که این کلمه از خود خدا صادر شده است. منظور از کلمه، خرد خداست، که خود را بصورت کلمه نشان داد. به همین خاطر در آیه بصورت اسم مذکر نوشته شده. زیرا که لغت خرد یا خرد خدا و یا ذهن خدا باید مذکر باشد، بخاطر همین گفته نشده بکلمته (اسمها) یا کلمه ای که اسمش مونث است، بلکه کلمه ای که اسمش مذکر است و خود خداست که در عیسی آشکار شد.

در کتابی تحت عنوان فُسوسُ الْحَكَمِ نوشته شیخ معین الدین عربی، در مورد همین کلمه می خوانیم که: کلمه تفسیر شگفت انگیزه خدای تجسم شده است و خود الوهیت است. سوالی که ما از شما داریم اینست است که اگر کسی بگوید که کلمه الوهیت است این بدان معنی نیست که، کلمه خود خداست؟ ما مسیحیان هم دقیقاً همین را می گوئیم. کتاب مقدس در (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱) می فرماید: در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ما هم از اسم مذکر استفاده می کنیم نه مونث. ما در مورد کلمه معمولی و انسانی حرف نمی زنیم بلکه در مورد یک شخص یا خرد و ذهن خدا حرف می زنیم. پس در این کلمه ما خدا را داریم.

س — تا به اینجا ما در مورد تثلیث صحبت کردیم و به وسیله مطالعه کتاب مقدس و قرآن، مردود بودن آن را و یا نشانه پرستش سه خدا را کاملاً رد کردیم. ما در مورد دو شخصیت تثلیث یعنی خداوند پدر و همین طور عیسی مسیح با عنوان پسر صحبت کردیم و حالا به روح القدس که شخصیت سوم از تثلیث است می پردازیم که روح القدس خود خداست یا نه؟

ج — برای روشن شدن این موضوع برای دوستان مسلمان ما باز هم از قرآن استفاده می کنیم. سوره بقره آیه ۸۷ که چنین می گوید: ما به عیسی پسر مریم دلایل روشن دادیم و او را بوسیله روح القدس تعیید کردیم. همچنین در سوره المائده آیه ۱۱۰ چنین می خوانیم: خدا به عیسی پسر مریم گفت یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدیم زمانی که تو را با روح القدس تقویت کردیم که تو در گهواره و هنگام بزرگی سخن می گفتی!

س — در اینجا یک سوالی هست که دوستان ما عنوان می کنند روح القدسی که در اینجا از آن صحبت می شود همان است که به مساعدت محمد آمد و قرآن بر او نازل شد؟ ما می خواهیم اینجا مشخص شود که این مساعدت برای محمد، در این است که او پیامبر خداست و قرآن را بر او نازل کرده است. تفاوت خیلی بزرگی و عظیمی میان مساعدت روح با خدا بودن روح القدس وجود دارد! آیا این دو روح یکی هستند؟

ج — در حقیقت در قرآن به فرشته ای به نام جبرئیل اشاره شده که بر محمد نازل می شد و با او سخن می گفت. بین فرشته و روح القدس که روح خداست کاملاً تفاوت وجود دارد. برای درک بیشتر شهادتی از شیخ محمد حریری البیومی نویسنده اسلامی، از کتاب روح و هویت آن، بیان می کنیم: روح القدس روح خداست و خود قرآن انسانها را از دروغ گفتن به خدا و روحش بر هزر داشته، پس روح القدس روح خداست. چونکه ما به غیر از، در روح نمی توانیم رضایت خدا را کسب کنیم. اگر ادعا کنیم که روح القدس همان جبرئیل است پس خدا چطور؟ آیا خدا روح ندارد؟ آیا خدا حیات دارد یا نه؟ با توجه به این که خود جبرئیل و سایر فرشته ها هم توسط خدا خلق شده اند پس چگونه می توانیم مخلوق خدا را روح خدا بنامیم! مسلمانان در مورد روح القدس عنوان می کنند که روح القدس که معنی لغتی آن روح قدوسیت است، یعنی روحیست که از قدوسیت خدا می آید و بوسیله خدا فرستاده شده. اما این منکر این موضوع می شود که خدا صاحب روح است، جبرئیل نمی تواند روح خدا باشد. خدا می باید روحی داشته باشد.

س — پس منظور قرآن چیست وقتی در سورهٔ مریم می گوید که ما روح خود را بر او نازل کردیم؟ آیا آن روح، روح خدا نبود؟ اما خدا نگفت روحی را که خلق کردیم بر تو نازل کردیم. بلکه گفت روح خود را بر تو نازل کردیم! آیا بین این دو روح هیچ فرقی نیست؟

ج — ما برای اینکه برادران و خواهران مسلمان در این مورد درک بهتری داشته باشند باید از نقطه نظر آنها به این موضوع نگاه کنیم تا این سوء تفاهم پیش نیاید که ما همه چیز را آن طور که دلمان می خواهد تفسیر کرده ایم. آنها این آیه را این طور تفسیر می کنند: ما روح خود را بر او نازل کردیم، یعنی روحی از طرف ما و بقیه آیه را این طور تفسیر می کنند که: و فرشته ای به فرم انسانی ظاهر شد. اما سوالی که اینجا پیش می آید این است که خدا روح دارد یا نه؟ آیا خدا بدون روح است؟ البته که نه! آیا این روح قدوس هست یا نه؟ خداوند قدوس است، پس روح او نیز قدوس است. روح القدس، این همان سوم شخص تثلیث است که ما مسیحیان به آن ایمان داریم.

پدر که منشاء هستی است. کلمه که عقل و خرد خداست که به شکل انسان ظاهر شد و اینکه خدا هرگز نمی تواند از عقل و خرد خود جدا باشد و روح خدا که زنده و حیات دهنده است. این سه با هم در ارتباط هستند و هرگز از هم جدا نبوده و نیستند و نمی توانیم آنها را از یکدیگر جدا کنیم. درست همان طور که شما نمی توانید ذهن و خرد کسی را از بدنش جدا کنید و روحش را، چونکه همگی در یک بدنند.

س — در ادامه به سوال دوم می رسیم اینکه آیا نام گذاری تثلیث عجیب نیست و منظور شما واقعاً چیست؟ مثلاً به طور خاص معنی پدر چیست که شما آن را به خداوند نسبت می دهید؟

ج — تثلیث یعنی پدر، پسر و روح القدس. اگر واقعاً خواهان دانستن حقیقت هستید، لغت پدر معنای زیادی دارد. از نظر لغتی معناهای مختلفی دارد و یکی از آنها یک پدر نمادین و

تمبلیک است. یک معنای اسطوره ای، پدری که مجبور نیست ازدواج کند و بچه دار شود و با این حال می تواند پدر خوانده شود. به عنوان مثال اگر ما می گوییم پدر مخلوقات یا پدر تمام خلقت، در اینجا پدر یک تمبل است از منشاء تمام خلقت. و اصلاً به این معنی نیست که خدا ازدواج کرده و به خلقت بچه دار شده. در اینجا پدر به عنوان نمادین به کار رفته است. به خاطر همین، پولس رسول در انجیل می فرماید: ما تنها یک خدا داریم، پدر که از او تمام چیزهاست و ما از آن او هستیم. بنابراین او پدر است چون خالق تمام هستی ماست. این نوعی گفتار نمادین است، پدر منشاء خوبیها و برکات است. حضرت محمد فرزندی داشت. البته قانونن. اگر کسی فرزند خوانده ای داشته باشد از نظر قانونی او فرزندش است و بجای زید پسر هاریتا، او زید پسر محمد نامیده شده، بخاطر فرزند خواندگی. در اینجا ما در مورد فرزند خواندگی صحبت می کنیم، آیا زید بچه حقیقیست که برای محمد زایده شده است؟ خیر. او بچه حقیقی نبود. در اسلام محمد قانونن پدر زید محسوب می شد، البته قبل از اینکه آن را فسق کند. دقیقاً به همین دلیل است که ما در انجیل می خوانیم شما روح فرزند خواندگی را پذیرفتید! جایی که شما به سوی خداوند فریاد می زنید: ای پدر! این معنای حقیقی و قانونی کلمه پدر است. اما این کلمه یک معنای باطنی هم دارد.

به طور مثال نور از آتش ساطع می شود. آیا آتش با هیزم ازدواج کرد و نور را زاید؟ غیر ممکن است. اینکه ما بخواهیم همه چیز را از معنای لغتی آن درک کنیم اصلاً درست نیست. در خیلی جاها ما از کلمات استعاره و شباهت استفاده می کنیم و چیزی را به آن تشبیه می کنیم. اما در پشت آن می شود معنای حقیقی را دید. در این مثال آتش همانند نور است اما کاملاً متفاوت، سرعت شعله آتش آهسته است، اما نوری که از آن ساطع می شود با سرعت بسیار زیادی حرکت می کند، و نوری است برای همه. همین طور ما معنای استعاره ای را برای پدر داریم. این پدر بودن کاملاً با نوع فیزیکی و طبیعی آن که ذاتاً انسانی است فرق می کند. البته معنای روحانی نیز برای این مورد وجود دارد که از همه معانی آن مهمتر است. مسیح پسر خداست در حالت الهی و روحانی و البته از طریق تولید مثل فیزیکی. کتاب مقدس در (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۳)

می فرماید: آنانی که از خدا تولد یافتند، اینجا یعنی تولد روحانی و تولد یافته از خدا، عیسی مسیح قبل از تولد دورانها از خدا مولود شده است و این یک تولد خیلی خاص است. همانطور که نور از آتش ساطع شد. خداوند در بدن مسیح ساکن شد پس دقیقاً این معنای پدر است بدون اینکه هیچ زاد و ولد و جنسیتی و هیچ چیزه دیگری اتفاق افتاده باشد. این همان تولد روحانی است.

س — تا اینجا ما به طور کلی با مفهوم کلمه پدر در تثلیث مسیحی آشنا شدیم. اما موضوعی که برای بسیاری از برادران و خواهران مسلمان ما مشکل آفرین است درک مفهوم دوم یعنی پسر خدا بودن عیسی مسیح است. اینکه چرا در تثلیث، نسبت پسر به عیسی مسیح داده می شود، و این پسر خدا دقیقاً به چه معناست؟

ج — در مکالمات روزانه، ما از کلمه پسر استفاده های بسیاری می کنیم، به طور مثال می گوئیم پسر صحرا، پسر دریا، پسر مصر! آیا به نظر شما منظور ما این است که مصر با قوم دیگری ازدواج کرده و صاحب پسر شده است؟ یا دریا با خشکی ازدواج کرده و پسر زاییده؟ البته که منظور ما این نیست. این اولین معنی پسر است. حتی در قرآن نیز از کلمه پسر استفاده شده، در سوره بقره آیه ۲۱۵ این طور می خوانیم: بگوئید از مال خود، انفاق کنید در مورد پدر، مادر و اقوام و راهگذران، در عربی راهگذران یعنی ابن سبیل (پسر جاده)، این پسر جاده از کجا آمده؟ آیا جاده ازدواج کرده و حالا پسری دارد! این دقیقاً رابطه پدر و پسری را نشان می دهد که اصلاً فیزیکی نیست. همچنین فیلسوف اسلامی امام النفسی در یکی از کتابهای خود روی این موضوع نقدی را عنوان کرده است. او می گوید: رهگذر، پسر جاده عنوان می شود چونکه مربوط به جاده است. چون با جاده زندگی می کند به همین دلیل پسر جاده خوانده می شود. در این مورد حدیث قدسی هم وجود دارد که چنین می گوید: پیشکار من، غنی و اهل بیتم یا فرزندانم فقیر هستند! آیا نمی شود گفت در اینجا خداوند از اهل خانه خود و فرزندانش صحبت می کند! اما در اینجا ما کلمات استعاره ای را داریم که برای درک بهتر شنونده از یک رابطه گفته می شود.

حتی در مورد روح القدس هم این موضوع صدق می کند. قرآن در مورد این موضوع در سوره یوسف آیه ۸۷ صحبت می کند: از رحمت خدا (روح الله) ناامید مباشید که هرگز جز کافر هیچ کس از رحمت خدا ناامید نیست. ما از روح خدا نباید ناامید باشیم و این روح فرشته خداوند یا جبرئیل نیست. همچنین در سوره بقره آیه ۸۷ و ۲۵۳ می خوانیم: و عیسی پسر مریم را به معجزات و عدله روشن حجت دادیم و او را به روح القدس قوت و توانایی بخشیدیم. در سوره المائده هم آمده که : ما تو را به روح القدس قوت دادیم. تعلیم اسلام در مورد روح القدس این است که روح القدس خلق نشده است و بایستی ابدی باشد . ابدی تنها خداست نه هیچ کس دیگری.

— امیدواریم که از طریق این برنامه معنی تثلیث برای شما شنونده عزیز هر چه بیشتر باز شده باشد. دوستان عزیز دعای ما برای شما عزیزان این است که خداوند خود با قلب تک تک شما صحبت کند و نور خود را که تنها نور حقیقیست به قلب شما بتاباند، تا شما در روشنائی حضور خداوند قدم بردارید. امیدواریم در برنامه بعد هم ما را همراهی کنید. شما را تا برنامه بعدی، سوالاتی در مورد ایمان به خدای بزرگ می سپاریم.

خداوند یار و نگهدار شما باشد.